

Cite the article: Jami, M., & Asadi, A. (2024). Managerial Overconfidence and Risk Appetite for Manager's Decisions on Profit Smoothing In the Steel Industry Using the Structural Equation Modeling. *Journal of Accounting, Auditing and Finance in islamic enviroments*, 1(3), 146-171.

managerial overconfidence and Risk Appetite for Managers' Decisions on Profit Smoothing In the Steel Industry Using the Structural Equation Modeling

Majid Jami¹, Abdorreza Asadi²

1. Master of Financial Management, Department of Management, Neishabur Branch, Islamic Azad University, Neishabur, Iran (majid_jami_1986@yahoo.com)
2. Assistant professor of financial management, Department of Management, Neishabur Branch, Islamic Azad University, Neishabur, Iran (Corresponding Author) (Abdorrezasadi@yahoo.com)

ABSTRACT

Received: 08/07/2023 - Accepted: 26/07/2023

Income reported by companies is an important financial information that is considered when deciding individuals. Financial analysts consider the reported profit to be a major factor in their own financial statements and judgments. Profit fluctuations are an important criterion for the company's overall risk, and companies with a more sophisticated, less risky interest. On the other hand, more confidence can lead to a false decision. The present study has studied the reliability and risk appetite of steel industry managers' decisions on profit smoothing. In terms of purpose-based categorization, it has been applied in a descriptive-correlational manner. The statistical population of the research includes all financial employees with a ten-year experience in the steel complexes of the country. The research tool was standard and researcher-made questionnaires, and according to the conditionalization of the statistical population, all subjects were included in the study, after removing the distorted versions or including incomplete answers, 145 copies of the collected questionnaires were included in the analysis. The validity of the research tool was calculated using face-to-face validity, content, and confirmatory factor analysis and its reliability was calculated through Cronbach's alpha. In order to analyze the data, structural equation modeling using Smart PLS software was used. The results of the information analysis show the effect of the more reliable dimensions of steel industry executives on the smoothing of profits with different intensity; So that the coefficient of T-statistic estimated by the directors' authority on 95% confidence smoothing the profit is equal to -0.818 with a reverse relationship and strong spectral intensity, but the effect of the risk appetite of contingency decisions of steel industry executives on profit smoothing, With a coefficient of 0.830, the result is ineffective. Also, exploitation and the likelihood of steel industry managers have a fairly strong spectral effect on the smoothing of profits, but their self-assertion on profit smoothing has had a weak spectral effect.

Keywords: managerial overconfidence, Risk Appetite Decisions, Profit Smoothing, The best steel complexes in the country

بررسی تأثیر بیش اطمینانی و ریسک‌پذیری اقتضایی تصمیمات مدیران بر هموارسازی سود در صنعت فولاد با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری

مجید جامی^۱، عبدالرضا اسعدی^۲

۱. کارشناس ارشد مدیریت مالی، گروه مدیریت، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (majid_jami_1986@yahoo.com)
۲. استادیار مدیریت مالی، گروه مدیریت، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول) (Abdorrezasadi@yahoo.com)

چکیده

سود گزارش‌شده شرکت‌ها، از جمله اطلاعات مالی مهمی است که در هنگام تصمیم‌گیری اشخاص در نظر گرفته می‌شود. تحلیلگران مالی، سود گزارش‌شده را عامل برجسته‌ی بررسی‌ها و قضاوت‌های خود در صورت‌های مالی می‌دانند. نوسان‌های سود، معیار مهم ریسک کلی شرکت است و شرکت‌های دارای سود هموارتر، ریسک کمتری دارند. از طرفی، بیش اطمینانی می‌تواند سبب اتخاذ تصمیم نادرست شود. تحقیق حاضر، بیش اطمینانی و ریسک‌پذیری اقتضایی تصمیمات مدیران صنایع فولاد را بر هموارسازی سود مطالعه کرده است. پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش انجام تحقیق، توصیفی-همبستگی، پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه کارکنان مالی با سابقه ده سال در مجتمع‌های فولاد برتر کشور است. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌های استاندارد و محقق‌ساخته بوده است که با توجه به مشروط شدن جامعه آماری، کلیه مشمولان مطالعه شدند. پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده، پس از حذف نسخه‌های مخدوش یا شامل پاسخ‌های ناقص، به تعداد ۱۴۵ نسخه در تجزیه و تحلیل شرکت داده شدند. روایی ابزار تحقیق به شیوه روایی صوری، محتوایی و تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از مدل‌یابی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. نتایج تحلیل اطلاعات، بیانگر اثر ابعاد بیش اطمینانی مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود، با شدت متفاوت است؛ به طوری که ضریب آماره^T برآوردشده در اثر اقتدار مدیران بر هموارسازی سود با اطمینان ۹۵ درصدی، معادل ۰/۸۱۸- با ارتباط معکوس و شدت طفیفی قوی، اثرگذار نتیجه شده، اما اثر ریسک‌پذیری اقتضایی تصمیمات مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود، با ضریب آماره ۰/۸۳۰+، بی تأثیر نتیجه شده است. همچنین، بهره‌کشی و محق بودن مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود، اثر طفیف نسبتاً قوی داشته اما، خودبینی آن‌ها بر هموارسازی سود، اثر طفیفی ضعیف داشته است.

کلیدواژه‌ها: بیش اطمینانی، ریسک‌پذیری اقتضایی تصمیمات، هموارسازی سود، مجتمع‌های فولاد

برتر کشور.

مقدمه

در الگوی اقتصاد مالی سنتی، فرض می‌شود تصمیم‌گیرندگان، «رفتار عقلایی» دارند و همواره به دنبال حداکثر شدن مطلوبیت خود هستند (هک‌بارث^۱، ۲۰۰۸)؛ اما، محققان تجربی بر این باورند که گاهی اوقات برای یافتن پاسخ معماهای مالی، باید این احتمال پذیرفته شود که ممکن است تصمیم‌گیرندگان به‌طور کامل عقلایی رفتار نکنند. به بیانی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی مدیران نیز، جزء عوامل مهم در تصمیم‌گیری‌ها به‌شمار می‌آید (براتراند و اسکوار^۲، ۲۰۰۳). یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی، بیش‌اطمینانی است. «بیش‌اطمینانی» (یا فرا‌اعتمادی^۳) یکی از مفاهیم مالی مدرن و مهم است که هم در تئوری‌های مالی و هم روان‌شناسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. بیش‌اطمینانی را می‌توان از خودشیفتگی وام گرفت که بر مبنای مدل راسکین و تری (۱۹۸۸)، در مقام تصمیم‌گیری برای مدیران سازمانی، می‌توان عوامل هفت‌گانه آن را اقتدار، خودنمایی، برتری‌جویی، بهره‌کشی، احساس محق‌بودن، خودبسندگی و خودبینی، برشمرد. در واقع، بیش‌اطمینانی سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین بزند و احساس کند که روی مسائل و رویدادها کنترل دارد، در حالی که ممکن است این‌گونه نباشد (شمس‌لیالستانی و همکاران، ۱۳۸۹). بیش‌اطمینانی یا اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مفاهیم مالی مدرن و مهم است که در تئوری‌های مالی و روان‌شناسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. بیش‌اطمینانی سبب می‌شود دانش و مهارت شخص بیش از حد و ریسک‌ها کمتر از حد تخمین زده شود (احمد و دوئلان^۴، ۲۰۱۳). بیش‌اطمینانی می‌تواند به اتخاذ تصمیم آینده‌نادرست منجر شود. همچنین، با تحریف سیاست‌های مناسب سرمایه‌گذاری، تأمین مالی یا حسابداری، هزینه‌های گزافی بر شرکت تحمیل شود (اسکالا^۵، ۲۰۰۸).

1. Hackbarth

2. Bertrand & Schoar

3. Transactional Management

4. Ahmad & Doelman

5. Skala

سود گزارش شده شرکت‌ها، از جمله اطلاعات مالی مهمی است که در هنگام تصمیم‌گیری اشخاص در نظر گرفته می‌شود. تحلیل‌گران مالی عموماً سود گزارش شده را یک عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود بر اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها، به‌خصوص سود گزارش شده، تلقی می‌کنند (شباهنگ، ۱۳۸۲). سرمایه‌گذاران معتقدند، سود ثابت در مقایسه با سود دارای نوسان، پرداخت سود تقسیمی بالاتری را تضمین می‌کند. همچنین، نوسانات سود، معیار مهم ریسک کلی شرکت قلمداد می‌شود و شرکت‌های دارای سود هموارتر، دارای ریسک کمتری می‌باشند. بنابراین، شرکت‌های دارای سود هموار، بیشتر مورد علاقه سرمایه‌گذاران بوده و محل مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری شمرده می‌شوند. در واقع، مدیریت مالی در گزینش شیوه شناسایی هزینه‌ها، آن‌هم در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری مختار است. این اختیار تا جایی پیش می‌رود که می‌تواند فعالیت‌های مالی را زمان‌بندی کند. در نتیجه، با این امکان انعطاف، مسئول مالی می‌تواند به‌طور سیستماتیک، روی سود گزارش شده از سالی به سال دیگر تأثیر بگذارد و آن را هموار کند. لذا، از آنجا که بازخورد هموارسازی سود، ایجاد رشد ثابت و کاهش نوسان‌های سود است، بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد و درجه اهمیت بازار سرمایه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از طرفی، تحمل ریسک یا اشتباه پذیرش ریسک، به‌عنوان معیاری شخصی مطرح است که مشمول سطح پیش‌بینی شده‌ای از سود در سرمایه‌گذاری است و پتانسیل پاداش و سود را رقم می‌زند؛ به‌طوری که هرچه سرمایه‌گذاری از ریسک بیشتری برخوردار باشد، پاداش و سود آن نیز بیشتر خواهد بود؛ ولی همچنان، ریسک ضرر بزرگ‌تری نیز در کمین آن خواهد بود. یکی از دغدغه‌های مهم اقتصادی کشور که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز تبلور یافته است، گسترش تجارت و حضور مؤثر و پایاپای در اقتصاد جهانی است. اما، همواره این نکته مطرح بوده است که چگونه می‌توان قدرت رقابت با رقیبان خارجی را کسب کرد یا آن‌ها را ارتقا بخشید. چنانچه بتوان ریشه‌های عدم رقابت‌پذیری و عوامل تشکیل‌دهنده و مؤثر بر رقابت‌پذیری را شناسایی کرد، می‌توان راهکارهایی را در جهت افزایش قدرت رقابت‌پذیری در شرکت‌های فعال در

فضای کسب و کار کشور پیشنهاد نمود. صنعت فولاد، به‌عنوان یک صنعت مادر، در توسعه اقتصادی و پویایی هر کشور نقش مؤثری ایفا می‌کند. از این رو، بررسی وجود یا نبود مزیت نسبی در این صنعت، امری لازم است (گوگردچیان و همکاران، ۱۳۹۳).

ضرورت مطالعه اثر ریسک‌پذیری اقتصادی تصمیمات بر هموارسازی سود در صنعت فولاد که منجر به اصول و قوانینی شود که کشف سود هموار شده را تسهیل نماید، بیش از پیش احساس می‌شود، زیرا محتمل است در وضعیت نوسانی بازار ارز و به تبع آن شرایط دوره‌های رکود و رونق در فولاد، فعالیت در نقطه پایین تر از ظرفیت اسمی برای کارخانه‌های فعال در این حوزه، میسر شود. وقتی تقاضا به همراه قیمت فولاد کاهش می‌یابد، کارخانه‌هایی که به دنبال حداکثرسازی سود خود هستند، تولید خود را کاهش می‌دهند و از تمامی ظرفیت تولید خود استفاده نمی‌کنند. در این حالت، با توجه به آنکه بنگاه‌ها همچنان باید هزینه‌های ثابت خود را تأمین کنند، سود آن‌ها کاهش می‌یابد (مطالعات طرح جامع فولاد کشور، ۱۳۹۷). لذا، مستعد هموارسازی خواهند بود؛ اینکه مدیران و کارکنان شرکت‌های صنعت فولاد، تمایل داشته باشند تا برای هموارسازی سود، اطلاعاتی را تغییر دهند یا آن‌ها را پنهان کنند.

با توجه به مزیت‌های موجود در تولید فولاد و ذخایر عظیم نفت و گاز و زغال سنگ به‌ویژه سنگ آهن، و با توجه به فناوری موجود در صنایع فولادسازی و انتخاب تکنولوژی جدید و جایگزین کردن تجهیزات فرسوده، الگوی مصرف اصلاح شده، باعث افزایش کارایی انرژی شده و با تولید فولاد ارزان، روند پیشرفت و آبادانی کشور تسریع یافته است (خطیب و همکاران، ۱۳۹۷). اما، از آنجا که سود حسابداری در صنعت فولاد، یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد و تعیین رتبه شرکت در صنعت تلقی می‌شود - که این دیدگاه، همواره مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان قرار گرفته است) محاسبه سود آن‌ها، متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است. بدین لحاظ، امکان دستکاری سود توسط مدیران صنعت وجود دارد. تصمیم‌گیرندگان صنعت فولاد، در واقع، سرمایه‌ارزشی - معنوی و دارایی انسانی صنعت، شمرده می‌شوند که برای جهت‌دهی به خودکفایی

اقتصادی کشور در راستای تولید، نقش بسزایی دارند. فراهم‌سازی، بستری مناسب برای تقویت ارزش‌های اخلاقی مدیران صنعت فولاد و جهت‌دهی به اندیشه آن‌ها در مسیر مأموریت اساسی صنعت که سب رونق تولید و اقتصاد شود، از ضرورت‌های استراتژی مدیریت صنعت خواهد بود. بنابراین، با افزایش دقت و ارتقای آگاهی، می‌توان این دانش را تحصیل کرد که گرایش و تمایلات شرکت‌های صنعت فولاد برای هموارسازی سود، در کجا وجود داشته و راه‌ها و ابزارهای هموارسازی سود کدام می‌باشند تا سرانجام، اطمینان معقولی از صحت حساب‌ها و گزارش‌های مالی برای سرمایه‌گذاران به دست آید. لذا، این مسئله مطرح می‌شود که آیا بیش اطمینانی و ریسک‌پذیری اقتضایی تصمیمات مدیران صنعت فولاد، بر هموارسازی سود مؤثر است یا خیر؟

مبانی نظری

بیش اطمینانی مدیریت

بیش اطمینانی مدیریت به دلیل تمرکز بیش از حد در حوزه مالی و رفتاری، جذابیت عمومی داشته است. وجود وجوه نقد داخلی که توسط جریان نقد عملیاتی ارائه می‌شود، سستی مالی ایجاد می‌کند که مدیران راهبردهای سرمایه‌گذاری تهاجمی خود را دنبال می‌کنند. به‌ویژه، مدیران دارای بیش اطمینانی مدیریت، زمانی که ارزش بازار شرکت خود را پایین می‌آورند، از تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید با انتشار سهام اجتناب می‌کنند. بنابراین، زمانی که پیش‌بینی خوش‌بینانه‌ای از نتایج سرمایه‌گذاری دارند، ترجیح می‌دهند سرمایه‌گذاری‌ها را به صورت داخلی تأمین کنند (یانگ و کیم، ۲۰۲۰).

تعریف بیش اطمینانی مدیریت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: توهم کنترل، کالیبراسیون نادرست و اثر بهتر از متوسط (بن دیوید و همکاران، ۲۰۱۳). دسته اول، اعتماد به نفس بیش از حد به معنای برآورد بیش از حد توانایی خود، سطح کنترل و شانس موفقیت است. بیش از حد نشان می‌دهد که نتایج عملی ضعیف‌تر از نتایج واقعی هستند، و «تخمین»

به پیش‌بینی خود شخص بستگی دارد، نه چشم‌انداز واقعی. وقتی افراد توانایی کنترل خود را بیش از حد ارزیابی کنند، توهم کنترل را به دست خواهند آورد. دسته دوم بیش‌اطمینانی مدیریت، توصیف می‌کند که تصمیم‌گیرندگان اغلب بازه احتمالی بزرگ‌تری دارند که کالیبراسیون واقع‌بینانه را پوشش می‌دهد. آن‌ها بیش از حد به خود باور دارند که بیش از دقت اطلاعات موجود است. دسته سوم توسط سونسون (۱۹۸۱) اشاره شد که در آن افراد ترجیح می‌دهند موفقیت خود را به‌خاطر بسپارند و تمایل دارند شکست خود را فراموش کنند. آن‌ها بیشتر از میانگین در مقایسه با سایر ارزیابی‌ها واقع‌بین هستند (ایکسای و دوان^۱، ۲۰۲۲). پژوهش‌ها نشان داده است که بیش‌اطمینانی مدیران و توانایی مدیریتی آنان، بر تصمیمات حسابرسان تأثیر می‌گذارد (کیم^۲، ۲۰۲۱). مدیران با اعتماد به‌نفس، بیش از حد تمایل دارند عوامل منفی بالقوه را در فرایند تصمیم‌گیری نادیده بگیرند، با این باور که آن‌ها می‌توانند همه موقعت‌ها را کنترل کنند و عملکرد شرکت به توانایی خود آن‌ها مربوط می‌شود تا کارایی سازمانی یا عوامل مرتبط با صنعت و اقتصاد (کانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۲).

هموارسازی سود

هموارسازی درآمد یکی از رایج‌ترین رفتارهای دستکاری در صنعت است. به‌طور معمول، مدیران بانک ارقام حسابداری را دستکاری می‌کنند تا درآمد را در طول زمان هموار کنند، زیرا یک مسیر درآمدی هموار، ریسک‌پذیری بیش از حد را با کاهش ریسک درک‌شده کسب‌وکار، پنهان می‌کند. به‌عنوان مثال، یک جریان سود پایدار می‌تواند سطح بالاتری از سود سهام را نسبت به سود متغیر، با اثرات مطلوب بر ارزش سهام و ادراک سرمایه‌گذاران، پشتیبانی کند (دی فابو و همکاران^۴، ۲۰۲۱). هموارسازی سود به‌طور کلی به‌عنوان «کاهش عمدی نوسانات» در سری سود در طول زمان تعریف می‌شود. هموارسازی سود عبارت است از کاهش عمدی نوسان‌های سری سود در طول زمان. ادبیات موجود دو

-
1. Xia & Duan
 2. Kim
 3. Kang
 4. Di Fabio et al

دیدگاه متفاوت را دربارهٔ انگیزه‌های مدیران برای هموارسازی درآمد پیشنهاد می‌کند. دیدگاه «اطلاعاتی» استدلال می‌کند که مدیران از هموارسازی سود برای افشای اطلاعات خصوصی خود دربارهٔ عملکرد آیندهٔ شرکت‌ها استفاده می‌کنند. دیدگاه «فرصت طلبانه» این امکان را برجسته می‌کند که مدیران به‌عنوان یک رفتار فرصت طلبانه، درگیر هموارسازی سود می‌شوند. این دیدگاه نشان می‌دهد که هموارسازی سود به‌جای نشان دادن عملکرد اقتصادی آتی، انگیزهٔ پنهان کردن نوسان‌های عملکرد درآمدهای گذشته را دارد. از این نظر، هموارسازی سود می‌تواند مشکل نمایندگی را تشدید کند و منجر به فرسایش ارزش شود (چانگ و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

ریسک‌پذیری اقتضایی تصمیمات مدیران

در دنیای امروز، سازمان موفق سازمانی است که دارای کارکنان ریسک‌پذیر باشد. این گفته معنی و اهمیت پویایی در سازمان‌های امروزی را نشان می‌دهد. زمانی که سخن از ریسک‌پذیری به‌میان می‌آید، در ذهن غالب افراد این تصور نقش می‌بندد که برای دست‌یافتن به یک محیط کار ایمن، باید سطح ریسک‌پذیری مورد توجه قرار گیرد. رد یا پذیرش یک مقدار معین از ریسک، نشان‌دهندهٔ آن است که از نظر هر فرد، تا چه اندازه ایمن بودن کافی است. خیلی مواقع، دلیل از دست رفتن فرصت‌ها، ندیدن آن‌ها نیست، بلکه ترس از نزدیک شدن به آن‌هاست. سازمان‌های معاصر به کارکنانی نیاز دارند که از نظر روان‌شناختی با کارشناسان ارتباط برقرار کنند، فعال باشند و به استانداردهای بالای عملکرد دست یابند؛ کسانی که پارانرژی باشند و خود را وقف کار کنند. چنین افرادی در سازمان، افرادی ریسک‌پذیر هستند (سیمپسون^۲، ۲۰۰۹). ریسک سازمانی، اغلب به عنوان تغییرات جریان سود یا تغییرات سیستماتیک یا غیرسیستماتیک جریان بازده سهام تعریف می‌شود (برومیلی و همکاران^۳، ۲۰۰۱). ریسک‌پذیری مدیریت با عنوان تصمیمات واقعی سرمایه‌گذاری که به دلیل داشتن

1. Chang et al
2. Simption
3. Bromiley et al

نتایج فاقد قطعیت، شاخص هستند، مفهوم‌سازی شده است (دورس و همکاران^۱، ۲۰۰۸).

از آنجا که نتایج آتی دارای عدم قطعیت هستند، مدیران در رابطه با سطح و قابل پذیرش بودن ریسک‌های مرتبط با تصمیمات راهبردی شرکت، برآوردهایی انجام داده و قضاوت می‌کنند (سیتکین و پابلو^۲، ۱۹۹۲). درخصوص پذیرش ریسک، پژوهش‌ها در حوزه تئوری نمایندگی فرض می‌کنند مدیران نسبت به سهامداران ریسک‌گریزتر هستند، مگر آنکه به‌طور مناسب تحریک یا پایش شوند (ایسنهارت^۳، ۱۹۸۹). مدل رفتاری تئوری نمایندگی نیز بیان می‌کند که تئوری انتظارات و نمایندگی مکمل یکدیگرند و فرض می‌کند مدیران به‌جای ریسک‌گریزی، زیان‌گریزند. بر این اساس، زمانی که تصمیم‌گیرنده انتظار دارد ریسک‌پذیری موجب دستیابی به نتایج مثبت شود، پذیرش ریسک بسیار محتمل است؛ در حالی که اگر نتایج منفی مورد انتظار باشد، ریسک‌پذیری رد می‌شود. در نهایت، اظهار می‌شود که اشخاص به‌طور شناختی پیامدهای آتی را در زمان حال تعیین می‌کنند و بر اساس پیامدهای پیش‌بینی شده، گزینه‌های پیش‌رو را انتخاب می‌کنند (ادیا و گرو^۴، ۲۰۰۶).

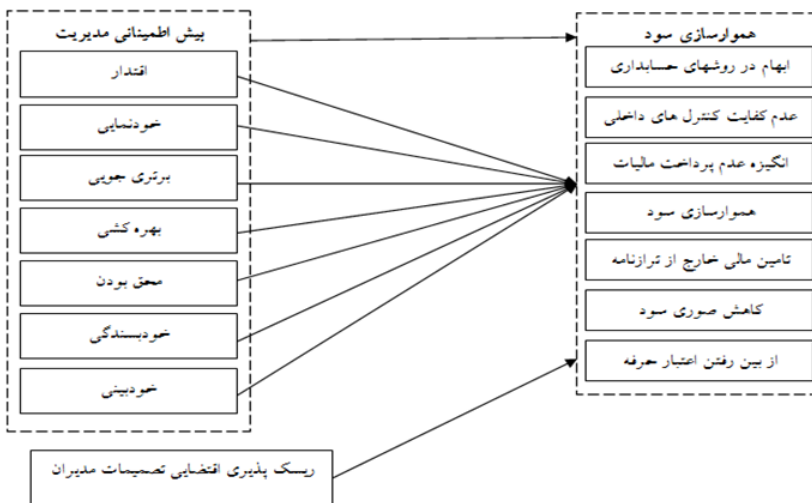
محمودزاده و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «رابطه بین ریسک‌پذیری، ارزش شرکت و قضاوت مدیر یا از سود» انجام داده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین ریسک‌پذیری و پیش‌بینی سود مدیریت رابطه معناداری وجود ندارد و بین ریسک‌پذیری شرکت و ارزش آتی سهام شرکت رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد اگر شرکت ریسک‌پذیر باشد، ارزش آتی آن افزایش خواهد یافت. حاجی ابراهیمی و اسکندر (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری و عملکرد شرکت» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد بیش‌اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری و عملکرد شرکت تأثیر ندارد. ابراهیمی و احمدی‌مقدم (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار

-
1. Devers et al
 2. Sitkin & Pablo
 3. Eisenhardt
 4. Audia & Greve

تهران» بیان کردند که محققان، بیشتر به دنبال دلایل و انگیزه‌های مدیریت سود هستند. نتایج تحقیق نشان داد بین بیش اطمینانی مدیریت و معیارهای مدیریت سود واقعی، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است. مهران و طاهری (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش‌بینی سود» بیان کردند که عوامل متعددی بر پیش‌بینی سود توسط مدیران تأثیر می‌گذارد که از جمله آن‌ها می‌توان به اطمینان بیش از حد مدیران اشاره کرد. نتایج حاکی از آن بود که بین هر دو معیار مذکور با خطای پیش‌بینی، رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت، مدیرانی که دارای اطمینان بیش از حد هستند، سود را بیش از مقدار واقعی آن پیش‌بینی می‌کنند. ابراهیمی و سربازی آزاد (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان «تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی» بیان داشتند که بیش اطمینانی، اعتقاد بی‌اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال‌های شهودی فرد است. تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، نشان‌دهنده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین بیش اطمینانی مدیریت بر اساس هر دو شاخص بیش اطمینانی مدیریت مبتنی بر سرمایه‌گذاری و اهرم مالی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بوده است. رزوتک و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «بیش اطمینانی مدیریت به تصمیمات عرضه اولیه عمومی و تأثیر آن بر روی پویایی کلان و ثبات مالی» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد شرکت‌های با اعتماد بیش از حد، نسبت به سایر شرکت‌ها عملکرد بهتری از نظر تولید نشان دادند، اما همچنین بیشتر در معرض نوسان‌های بازار سهام بودند. در نتیجه، احتمال پیش‌فرض آن‌ها را بیشتر می‌کرد. نرخ‌های پیش‌فرض بالاتر شرکت‌های بیش از حد خوشبینانه، بر بخش بانکی تأثیر منفی گذاشت و بی‌ثباتی مالی را افزایش داد. کوایب و جاربویی^۱ (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان «تأثیر مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین بیش اطمینانی مدیر و عملکرد مالی آتی شرکت» انجام دادند. در مرحله اول، تأثیر به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای عملکرد آتی شرکت‌ها بررسی کردند که نتایج نشان داد مدیران خوشبین و با اطمینان بالا که این استانداردها را به‌کار نگرفته‌اند،

عملکرد مالی ضعیف‌تری در آینده داشته‌اند و سایر روابط آن‌ها معنادار نبوده است. در مرحله دوم، در بررسی ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیران و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی بر مدیریت سود واقعی، به این مهم دست یافتند که مدیران با اطمینان بالا در مدیریت سود واقعی، بیشتر از سایر مدیران افراط می‌کنند. جکسون و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان «همبستگی سود شرکت با صنعت و دستکاری سود (مدیریت سود)» به این نظریه پرداختند که در شرکت‌هایی که سودهایشان با سود صنایع همبستگی دارد، احتمال بالایی وجود دارد که شرکت، سیگنال جانب‌دارانه و غیرواقعی از عملکرد شرکت ارسال کرده - باشد.

مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق (اقتباس شده از هایلدر و همکاران (۲۰۰۹): ترجمه مقیمی و رمضان (۱۳۹۰))

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بیش اطمینانی مدیران صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
 - ۱-۱- اقتدار مدیران صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
 - ۱-۲- خودنمایی صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
 - ۱-۳- برتری جویی صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
 - ۱-۴- بهره کشی صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
 - ۱-۵- محق بودن صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
 - ۱-۶- خودبستگی صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
 - ۱-۷- خودبینی صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.
- ۲- ریسک پذیری اقتضایی تصمیمات مدیران صنعت فولاد بر هموارسازی سود، تأثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ جمع آوری داده‌ها، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه کارکنان مالی با حداقل مدرک لیسانس و سابقه خدمت حداقل ده سال در مجتمع‌های فولاد برتر کشور بوده‌اند که تعداد آنان ۱۶۰ نفر برآورد گردید. بنابراین، با توجه به محدود شدن جامعه آماری تحقیق (به دلیل مشروط - شدن انتخاب‌ها)، مکانیزم گزینش نمونه‌ها سرشماری بوده و کلّ واجدان شرایط در این مطالعه شرکت کرده‌اند. این گونه نمونه‌گیری، هدفمند و غیراحتمالی بوده است. در ادامه، پرسشنامه‌ها در کلّ جامعه آماری توزیع شده‌اند که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش، تعداد ۱۴۵ نسخه در تجزیه و تحلیل شرکت داده شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته بوده است. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. همچنین، روایی پرسشنامه با استفاده از روایی صوری با تأیید اساتید و خبرگان و روایی سازه با تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. مقادیر به دست آمده بیانگر تأیید روایی و پایایی پرسشنامه بود (جدول ۱). تحلیل داده‌ها از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار pls انجام پذیرفت.

جدول ۱: بارعاملی، روایی و پایایی

متغیر	سنجه	بارعاملی	AVE	آلفای کرونباخ
بیش اطمینانی مدیریت	e1	0.70	۰/۵۹۶	۰/۷۳۰
	e2	0.45		
	e3	0.50		
	e5	0.36		
	e6	0.45		
	e8	0.30		
	e9	0.51		
	e10	0.48		
	e12	0.49		
	e13	0.65		
	e14	0.46		
	e16	0.54		
	e17	0.58		
	e18	0.51		
	e19	0.72		
	e20	0.38		
	e21	0.71		
	e22	0.45		
	e26	0.34		
	e27	0.53		
e29	0.50			
e31	0.72			
e32	0.63			
e34	0.66			
e35	0.55			
e36	0.85			
e37	0.30			
e38	0.32			
هموارسازی سود	e41	0.65	۰/۹۸۳	۰/۹۹۴
	e42	0.67		
	e45	0.65		
	e46	0.36		
	e47	0.91		
	e48	0.67		
	e49	0.44		
	e51	0.35		
	e52	0.75		
e53	0.35			

		0.39	e54	
		0.40	e56	
		0.44	e57	
		0.55	e60	
		0.45	e61	
		0.85	e62	
۰/۸۴۲	۱/۰۰۰	0.80	e64	ریسک پذیری اقتضایی تصمیمات
		0.65	e65	
		0.64	e67	
		0.35	e68	
		0.60	e69	
		0.71	e72	
		0.83	e73	
		0.49	e74	
		0.61	e75	
		0.38	e76	

یافته‌ها

متغیرهای جمعیت‌شناختی، در جدول ۲ گزارش شده است:

جدول ۲: آمار جمعیت‌شناختی

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مردان	۱۰۷	۷۳/۸
زنان	۳۸	۲۶/۲
تحصیلات		
کارشناس	۸۵	۵۸/۶۲
کارشناس ارشد	۴۶	۳۱/۷۲
دکتری	۱۴	۹/۶۶
سابقه کاری		
۱۰ سال و کمتر	۵	۳/۴۵
بین ۱۱ تا ۲۰ سال	۶۳	۴۳/۴۵
بین ۲۱ تا ۳۰ سال	۵۹	۴۰/۶۹
بیش از ۳۰ سال	۱۸	۱۲/۴۱

برازش مدل مفهومی

برای برازش مدل از شاخص R² و Q² استفاده شد. جدول ۳ مبین تأیید این دو شاخص است. شاخص R² میزان تأثیری را که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد، اندازه‌گیری می‌کند. Q² قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند.

جدول ۳: شاخص R² و Q²

متغیر	ضریب R ²	SSO	SSE	Q ²
هموارسازی سود	۰/۷۲۵	۶۷۵/۰۰۰	۶۶۷/۵۸۷	۰/۵۰۷

برای تعیین کیفیت کلی مدل، از این معیار استفاده شد. مدل PLS شامل دو بخش است: مدل اندازه‌گیری و مدل معادلات ساختاری که با تأیید برازش آن، بررسی برازش یک مدل کامل می‌شود. مقدار GOF از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

چنانچه مقدار شاخص GOF بیشتر و یا مساوی ۰/۰۱ باشد، حاکی از آن است که کیفیت مدل اندازه‌گیری ضعیف است. اگر شاخص GOF بیشتر و یا مساوی ۰/۲۵ باشد، نشان می‌دهد که مدل، کیفیت متوسطی دارد و چنانچه، مقدار شاخص، بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۳۵ باشد، نشان می‌دهد که مدل از کیفیت قوی برخوردار بوده است. با توجه به فرمول مذکور، مقدار شاخص GOF به صورت زیر خواهد بود:

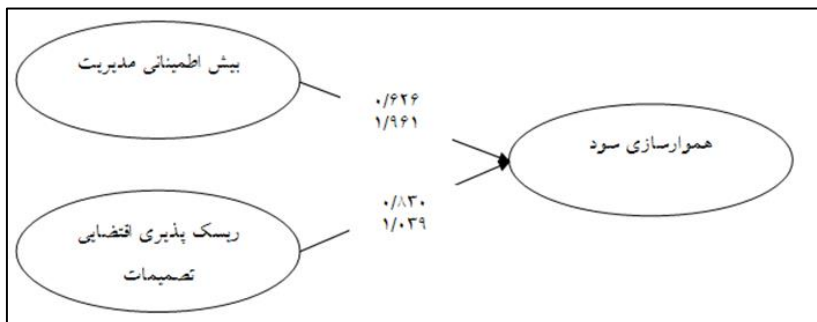
$$GOF = \sqrt{0.83 \times 0.17} = 0.38$$

بنابراین، از آنجا که مقدار شاخص GOF برای مدل تحقیق برابر ۰/۳۸ برآورد شده

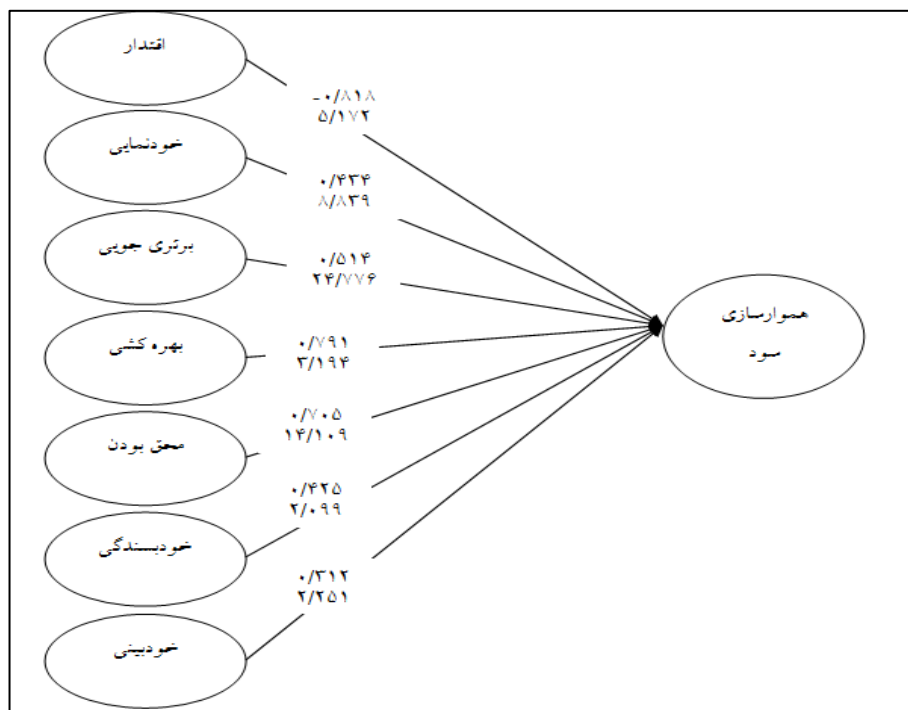
است که بزرگ تر از ۰/۳۵ است، لذا، باید گفت که در مجموع، مدل معادلات ساختاری و مدل اندازه گیری، کیفیت خوبی در تبیین رفتار متغیرهای درونزای داشته است.

آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه اصلی تحقیق، از معادلات ساختاری و روش PLS استفاده شد. با توجه به اینکه مدل معادلات ساختاری از کیفیت مناسبی برخوردار بوده است، مدل معادلات ساختاری برازش داده شده، معناداری و همچنین، میزان اثر هر سازه بر متغیر وابسته بررسی شد. در واقع، در این بخش، با برازش مدل معادلات ساختاری، فرضیه‌ها آزمون شدند که به این ترتیب، مدل معادلات ساختاری برازش داده شده و معناداری مدل و همچنین، میزان اثر هر سازه بر متغیر وابسته بررسی گردید. لذا، مدل معادلات ساختاری به صورت نمودار (۴-۱۰)، برازش داده شد.



شکل ۲: ضرایب مسیر و آماره تی فرضیه های اصلی



شکل ۳: ضرایب مسیر و آماره تی فرضیه های فرعی

جدول ۴: یافته‌های برازش مدل معادلات ساختاری اثر شاخص‌ها

شماره فرضیه	مشخصه متغیر	ضرایب مسیر	آماره آزمون
اصلی اول	بیش اطمینانی مدیران ← هموارسازی سود	۰/۶۲۶	۱/۹۶۱
اصلی دوم	ریسک‌پذیری تصمیمات ← هموارسازی سود	۰/۸۳۰	۱/۰۳۹
فرعی اول	اقتدار مدیران ← هموارسازی سود	-۰/۸۱۸	۵/۱۷۲
فرعی دوم	خودنمایی مدیران ← هموارسازی سود	۰/۴۳۴	۸/۸۳۹
فرعی سوم	برتری جویی مدیران ← هموارسازی سود	۰/۵۱۴	۲۴/۷۷۶
فرعی چهارم	بهره‌کشی مدیران ← هموارسازی سود	۰/۷۹۱	۳/۱۹۴
فرعی پنجم	محق بودن مدیران ← هموارسازی سود	۰/۷۰۵	۱۴/۱۰۹

۲/۰۹۹	۰/۴۲۵	خودبستگی مدیران ← هموارسازی سود	فرعی هشتم
۲/۲۵۱	۰/۳۱۲	خودبینی مدیران ← هموارسازی سود	فرعی هفتم

*** مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۱ را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، ابتدا بر مبنای اطلاعات حاصل از پاسخ آزمودنی‌ها، تأثیر گویه‌ها در شکل‌دهی شاخص‌های مجازی با مدل معادلات ساختاری بررسی شد. نتایج حاصل، حاکی از تأثیر گویه‌ها در ایجاد شاخص‌های مجازی، با نتایج متفاوت بود. مدل معادلات ساختاری برازش داده شده و معناداری مدل و همچنین، میزان اثر هر سازه بر متغیر وابسته، به کمک نرم‌افزار PLS بررسی گردید.

بر اساس نتایج آزمون، فرضیه اصلی اول تحقیق که بیش اطمینانی مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود اثربخش نتیجه‌گیری شد، می‌توان این نتیجه را هم‌راستا با مطالعه ابراهیمی و احمدی مقدم (۱۳۹۷) دانست. ایشان در تحقیقی با عنوان «تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» بیان کردند که محققان، بیشتر به دنبال دلایل و انگیزه‌های مدیریت سود هستند. یکی از عوامل مؤثر بر مدیریت سود، بیش اطمینانی مدیران است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران، بیش اطمینانی است. مدیران نسبت به سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود، خوش‌بین هستند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. از این رو، هدف تحقیق خود را بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر مدیریت سود واقعی بیان کردند. همچنین، پژوهش کوایب و جاربویی (۲۰۱۷) را می‌توان هم‌راستا با نتایج این تحقیق دانست. ایشان، تأثیر مدیریت سود واقعی را بر ارتباط بیش اطمینانی مدیر و عملکرد مالی آتی شرکت مطالعه کردند. در واقع، ایشان در این مطالعه دو کانال مدیریت سود واقعی و به‌کارگیری اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای بررسی این ارتباط، پیشنهاد کردند. در مرحله اول، تأثیر به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای عملکرد

آتی شرکت‌ها بررسی کردند. نتایج نشان‌داد مدیران خوش‌بین و بااطمینان بالا که این استانداردهای را به کار نگرفته‌اند، عملکرد مالی ضعیف‌تری در آینده داشته‌اند و سایر روابط آن‌ها معنادار نبوده است. در مرحله دوم، در بررسی ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیران و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی بر مدیریت سود واقعی، به این مهم دست یافتند که مدیران با اطمینان بالا در مدیریت سود واقعی، بیشتر از سایر مدیران افراط می‌کنند. علاوه بر این، می‌توان گفت که مدیران با اطمینان بیش از حد که مبادرت به به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی کرده‌اند؛ مدیریت سود واقعی بیشتری نسبت به سایر مدیرانی که این استانداردها را به کار نگرفته‌اند، داشته‌اند. در نهایت، نتیجه این فرضیه هم‌راستا با پژوهش رزوتک و همکاران (۲۰۲۰)، اسکندر و حاجی ابراهیمی (۱۳۹۸) نیز شناخته شد.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی این تحقیق که بیش‌اطمینانی و ابعاد آن بر هموارسازی سود صنایع فولاد اثربخش نتیجه‌گیری شد، می‌توان این نتایج را هم‌راستا با نتایج پژوهش ابراهیمی و سربازی آزاد (۱۳۹۶) دانست. ایشان در مطالعه خود تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت را بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی ارزیابی کردند؛ با این مبنا که بیش‌اطمینانی، اعتقاد بی‌اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد است. مدیران بیش‌اطمینان، در نتیجه این باور که اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران در اختیار ندارند)، دقت اطلاعات خود و به تبع آن، سودها و جریان‌های نقدی آینده واحد تجاری را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده دارند. ایشان، هدف تحقیق خود را بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت در مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در ۹۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال-های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ معرفی کردند. همچنین، برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی مدیریت، از دو معیار مبتنی بر سرمایه‌گذاری و اهرم مالی استفاده کردند. تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، نشان‌دهنده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین بیش‌اطمینانی مدیریت بر اساس هر دو شاخص بیش‌اطمینانی مدیریت مبتنی بر سرمایه‌گذاری و اهرم مالی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بود.

مهرانی و طاهری (۱۳۹۶) در پژوهش خود اثر بیش اطمینانی مدیریتی را بر خطای پیش-بینی سود بررسی کردند؛ بر این مبنای که عوامل متعددی بر پیش‌بینی سود توسط مدیران تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها می‌توان به اطمینان بیش از حد مدیران اشاره کرد. لذا، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیران بر خطای پیش‌بینی سود توسط آن‌ها بررسی شد. برای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد، با توجه به ادبیات از دو معیار CAPEX و Over-Invest که مرتبط با سرمایه‌گذاری بوده، استفاده گردید. همچنین، منطبق بر مطالعه جکسون و همکاران (۲۰۱۷) که ایشان در مطالعه خود همبستگی سود شرکت با صنعت و دستکاری سود (مدیریت سود)، به این تئوری پرداختند که در شرکت‌هایی که سودهایش با سود صنایع همبستگی دارد، احتمال بالایی وجود دارد که شرکت سیگنال جانب‌دارانه و غیرواقعی از عملکرد شرکت ارسال کرده باشد. این نتایج را می‌توان هم‌راستا با نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی تحقیق حاضر دانست که ابعاد بیش اطمینانی مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود، اثربخش نتیجه‌گیری شده است.

بر اساس نتیجه فرضیه اصلی دوم اثر ریسک اقتضایی تصمیمات بر هموارسازی سود در شرکت‌های فولادی رد شد. با توجه به فضای بازار رقابتی که همگام با شرایط کنونی اقتصادی و بحران‌های مالی است، انتظارهای سرمایه‌گذاران از وضعیت سودآوری شرکت، نقش بسزایی در نحوه تصمیم‌های آنان دارد. نتایج این فرضیه هم‌راستا با پژوهش محمودزاده و همکاران (۱۴۰۲) بود، اما با پژوهش اخگر و جلوزان (۱۳۹۴) هم‌راستا نیست.

پیشنادهای کاربردی بر مبنای نتایج فرضیه‌ها

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌های تحقیق، همچنین، با توجه به فعالیت واحدهای صنایع فولاد به عنوان صنعتی با پیشینه ارزشمند سرمایه‌فکری، با پیش‌فرض اینکه اعضای نیروی انسانی آن، حامل تجربه، تخصص و دانش کافی می‌باشند، نیروی انسانی آن هیچ‌گاه به عنوان تهدید در نظر گرفته نشده و از آن‌ها به‌عنوان عاملی برای پویایی و بهره‌وری سازمانی یاد خواهد شد. امروزه، ریسک تصمیم‌گیری مدیران یک متغیر کمتر سنجیده‌شده در صنایع است. صناعی که به‌علت پیچیدگی و عدم اطمینان محیطی زیاد و همچنین، پیشرفت

روزافزون تکنولوژی، نیاز دارند که برای بقا، منابع انسانی متعهد و با اخلاق را برای پست‌های پاسخ‌گویی و تصمیم‌گیری انتخاب کنند تا بهره‌وری سازمانی تقویت شود. در فضای غیرقابل پیش‌بینی و متغیر عصر کنونی، برتری در رقابت، هدف اصلی هر سازمان است. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین لغزش، گاه می‌تواند به زوال یک سازمان منجر شود. بر محیط اجتماعی امروز، تغییرات غیرقابل پیش‌بینی، همیشگی و بی‌سابقه حاکم است. خدمات آموزشی در واحدهای صنایع فولاد که در حد جهانی مسئول است، تقویت دانش و هوشیاری مضاعفی را می‌طلبد زیرا قابلیت‌های سازمانی، ضرورت صیقل با تغییرات محیطی را نیازمند است تا دانش کسب‌شده، توأم با اخلاق حرفه‌ای، در سازمان توزیع شده و به راحتی تجربیات دانشی، به کارکنان منتقل شود. باید گفت، امروزه تغییرات در محیط خارجی، سازمان‌ها را به نشان دادن واکنش و تغییر وادار می‌کند. مهندسی مجدد فرایندها، تشکیل تیم‌های توسعه خدمات، اجرای برنامه‌های تقویت کارکنان، حرکت به سوی سازمان‌های مجازی، افزایش توانایی پاسخگویی مؤثر به نیازهای جامعه به‌منظور پاسخ اثرگذار به تغییرات، از جمله فعالیت‌هایی است که در راستای تقویت ابعاد اخلاقی حرفه‌ای حسابداری لازم است که صورت گیرد. ضرورتی که نیاز است به‌منظور رویارویی با تغییرات و واکنش‌های رفتاری در دنیای رقابتی امروز، بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا با تقویت اخلاق حرفه‌ای کارکنان از فرصت‌های بالقوه دانشی بهره‌گیری شود (کیایی، ۱۳۸۹).

پارادایمی که به‌منظور تعدیل هموارسازی سود در صنایع فولاد، مطرح شده است، بیانگر الزام به مدیریت اخلاق حرفه‌ای است تا در کلیه سازمان‌های تابعه سرایت کند و همگانی شود. لذا، بر مبنای نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. بر مبنای نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی اول تحقیق که اثر بیش‌اطمینانی مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود، معنادار نتیجه‌گیری شد، باید گفت؛ از آنجا که کیفیت بالای حسابرسی، مهر تصدیقی بر اعتباردهی بالای صورت‌های مالی است، می‌توان سیستم کنترل‌های داخلی را به‌عنوان جزئی از نظام اطلاعات مالی، موظف به تنظیم اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری‌های مالی برشمرد. اما، اطلاعاتی مفید خواهد بود که افزون بر داشتن

ویژگی های کیفی، مربوط بودن، قابلیت مقایسه، قابلیت اعتماد نیز، در آن تعبیه شده باشد تا اطلاعات آن برای تصمیم گیری مدیران درست و قابل اتکا باشد. پیشنهاد می شود: در این راستا، به منظور بهره گیری از کفایت کنترل ها در حسابرسی سود گزارش شده، با به هنگام سازی فرایندهای اقتضایی کنترل های داخلی به کمک فناوری روز، از فناوری اطلاعات، در کل شرکت های صنایع فولاد استفاده شود، به ویژه در ارزیابی ماهیت سود گزارش شده که به طور عمده در تقویت اطلاعات و قابلیت دسترسی سریع آن ها مؤثر است.

۲. بر مبنای نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی اول تحقیق که اثر بیش اطمینانی مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود، معنادار نتیجه گیری شد، می توان گفت که رویکرد محتمل بر هموارسازی سود، اطلاعات مختلفی را ارائه می دهد. این اطلاعات، شامل عناصری خواهد بود که به منظور تصمیم گیری، برنامه ریزی و کنترل وظایف حسابرسی به کار می روند. سیستم اطلاعات حسابداری می تواند در قالب فنون حسابداری، آثار مالی گزینه های مختلف را تجزیه و تحلیل کند و مبنای اطلاعات لازم را برای تصمیم گیری مدیران صنایع فولاد فراهم نماید و به تعیین اهداف راهبردی یاری رساند. لذا، این مهم ضرورت دارد که در آن رویکرد، اطلاعاتی ارائه شود که به مدیران صنایع در امر تصمیم گیری و برنامه ریزی یاری رساند. این تصمیم ها می تواند مدیران صنایع فولاد را در زمینه سنجش عملکرد نیروهای سازمانی یاری برساند. لذا، پیشنهاد می شود به منظور ارزیابی کفایت اطلاعات مالی گزارش شده، اطلاعات کنترل های مدیریتی و گزارش های عملکرد حسابرسی، طبقه بندی شده و همچنین، اطلاعاتی برای مقایسه و کنترل بازخورد کیفیت حسابرسی در دوره های کوتاه مدت (مثلاً شش ماهه)، تأمین شود. بدیهی است، به منظور مراقبت از کیفیت عملکرد مالی واحدهای صنایع فولاد، این فرایند باید به نحوی مستمر ارزیابی شود و پس از رفع نواقص ساختار آن ها، نسبت به شناخت و رفع مشکلات فرایندی اقدام شود.

۳. بر مبنای نتایج حاصل از آزمون فرضیه های فرعی تحقیق که اثر ابعاد بیش اطمینانی مدیران صنایع فولاد بر هموارسازی سود، معنادار نتیجه گیری شد، در راستای انگیزش کارکنان مالی، اقدام های مفید گوناگونی را می توان پیشنهاد کرد. از جمله: برگزاری

سمینارهای شغلی در ارتباط با کنترل عاطفی، تمرین همدلی، توسعه مهارت شود مؤثر، ارزیابی احساسات دیگران، کارایی اثربخشی شغلی، اهداف و عملکردهای فردی و سازمانی، رفتارهای معنوی و اخلاقی، تیم‌سازی و... می‌توان گفت، این موارد، از چند جهت حایز اهمیت است: نخست، می‌تواند به تقویت روحیه، بازسازی کارکنان مالی و تجدید انگیزه‌هایی برای ایفای مؤثر نقش‌ها بینجامد. دوم، از روزمرگی در شغل مالی و رخوت مضر کاری بکاهد و رضایت شغلی را افزایش دهد. سوم، الگوهای اخلاق حرفه‌ای را در بین نیروهای مالی سازمان (و برای حساب‌رسان داخلی) ارتقا ببخشد.

۴. بر مبنای نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی اول تحقیق که اثر بیش-اطمینانی مدیران (و ابعاد آن در) صنایع فولاد بر هموارسازی سود، معنادار نتیجه‌گیری شد، از آنجا که در تمام فرایندهای موفق، نقش برجسته و مهم اطلاعات مشهود است، به طوری که بدون اطلاعات صحیح و نسبتاً دقیق، امکان تعریف درست مشکل وجود ندارد. سود با کفایت گزارش شده، به عنوان معمایی از سیستم اطلاعاتی حسابداری، همواره بیشترین بار اطلاعاتی را به مدیران صنایع فولاد برای اجرای وظایف، برنامه‌ریزی، کنترل و سایر وظایف تحمیل می‌کند. از منظری دیگر، ارزیابی وضعیت الزام‌ها و چالش‌های پیش روی اطلاعات مالی با هدف بهبود مستمر، کمک می‌کند تا سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و مدیران صنایع فولاد، نسبت به مسائل اقتصادی، تصمیم‌های بهتری بگیرند. بنابراین، با این ضرورت که استفاده مناسب و بهنگام اطلاعات در امر تصمیم‌گیری، قدرت اخذ تصمیم‌های مؤثر و کارآمد را برای مدیران صنایع فولاد ایجاد می‌کند، مقبولیت هزینه‌های تحمیلی (حسابرسی) مشروط به توجیه اقتصادی از غایت نهایی عمل خواهد بود، لذا، نهادینه‌سازی فرهنگی این دیدگاه، الزام به توجیه مدیران تصمیم‌گیرنده صنایع فولاد خواهد بود تا سرانجام، با تصمیم‌های درست و منطقی، فرصت‌های تصمیم‌گیری در شرایط رقابتی شناخته شده، هزینه قابل توجیه مازاد حق الزحمه حسابرسی ادراک شده و منابع محدود، با بهترین تصمیم‌ها مدیریت شوند.

منابع

- ابراهیمی، سید کاظم و احمدی مقدم، منصور. (۱۳۹۷). «تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *چشم انداز مدیریت مالی*، ۱۵، ۲۳-۹.
- حاجی ابراهیمی، مریم و اسکندر، هدی. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک پذیری و عملکرد شرکت». *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۹(۱)، ۳۶۵-۳۴۰.
- ابراهیمی، سید کاظم و سربازی آزاد، صادق. (۱۳۹۶). «تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی». *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۸(۳)، ۱۱۶-۱۰۵.
- خطیب، محمدعلی، سیفی پور، رویا و رحیمی، سعید. (۱۳۹۷). «تحلیل آثار افزایش قیمت حامل های انرژی بر صنعت فولاد ایران». *اقتصاد مالی*، ۳(۹)، ۳۶-۲۳.
- شبهانگ، رضا و نوربخش لنگرودی، محسن. (۱۳۸۵). «بررسی محتوای اطلاعات سود سهام پرداختی و واکنش متفاوت بازار نسبت به آن در بورس اوراق بهادار تهران». *آینده پژوهی مدیریت*، ۱۸(۶۹)، ۱۱-۱.
- شمس لیالستانی، فلاح، قالیباف اصل، حسن و سرابی نوبخت، سمیرا. (۱۳۹۳). «بررسی اثر تجربه بر ریسک پذیری، بیش اطمینانی و رفتار توده وار». *بورس اوراق بهادار*، ۳(۱۲)، ۴۲-۲۵.
- گوگردچیان، احمد، امیری، هادی، طیبی، سید کمیل و خوشایند دولت آباد، حمیده. (۱۳۹۳). «نقش هزینه های مبادله در رقابت پذیری صنعت فولاد (مطالعه موردی: شرکت فولاد مبارکه اصفهان)». *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۳(۱۲)، ۲۲۰-۲۰۳.
- محمودزاده، میثم، کیقبادی، امیررضا، نوجوان، مهناز و سلطانی، فریبا. (۱۴۰۲). «رابطه بین ریسک پذیری، ارزش شرکت و قضاوت مدیریت از سود». *قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری و حسابرسی*، ۲(۵)، ۱۶۲-۱۳۹.
- مهرانی، ساسان و طاهری، منصور. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش بینی سود. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۲(۲۶)، ۱۶۴-۱۴۷.
- Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2014). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51 (1), 1-30.
- Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of accounting research*, 51(1), 1-30.
- Audia, P. G., & Greve, H. R. (2006). Less likely to fail: Low performance, firm size, and factory expansion in the shipbuilding industry. *Management science*, 52(1), 83-94.
- Ben-David, I., Graham, J. R., & Harvey, C. R. (2013). Managerial miscalibration. *The Quarterly journal of economics*, 128(4), 1547-1584.
- Bertrand, M. & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 301-330.
- Bertrand, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *The Quarterly journal of economics*, 118(4), 1169-1208.
- Bromiley, P., Miller, K. D., & Rau, D. (2005). Risk in strategic management research.

- The Blackwell handbook of strategic management*, 255-283.
- Chang, H., Ho, L. J., Liu, Z., & Ouyang, B. (2021). Income smoothing and audit fees. *Advances in accounting*, 54, 100547.
- Devers, C. E., McNamara, G., Wiseman, R. M., & Arrfelt, M. (2008). Moving closer to the action: Examining compensation design effects on firm risk. *Organization Science*, 19(4), 548-566.
- Di Fabio, C., Ramassa, P., & Quagli, A. (2021). Income smoothing in European banks: The contrasting effects of monitoring mechanisms. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 43, 100385.
- Hackbarth, D. (2008). Managerial traits and capital structure decisions. *Journal of financial and quantitative analysis*, 43(4), 843-881.
- Heaton, J. B. (2002). Managerial optimism and corporate finance. *Financial management*, 33-45.
- Jackson, Andrew, Brian R. Rountree, Jackson and Konduru Sivaramakrishnan. (2017). Earnings co-movements and earnings manipulation. *Review of Accounting Studies*.
- Kang, Y. J., Lee, H. Y., Park, H. Y., & Park, J. H. (2022). Social ties, managerial overconfidence, and investment efficiency. *Finance Research Letters*, 46, 102300.
- Kim, M. H. J. (2021). Effects of managerial overconfidence and ability on going-concern decisions and auditor turnover. *Advances in accounting*, 54(3).
- Kouaib, Amel, Jarboui, Anis. (2017). The mediating effect of REM on the relationship between CEO overconfidence and subsequent firm performance moderated by IAS/IFRS: Moderated-mediation analysis. *Research in International Business and Finance*.
- Rzeszutek, M., Godin, A., Szyszka, A., & Augier, S. (2020). Managerial overconfidence in initial public offering decisions and its impact on macrodynamics and financial stability: Analysis using an agent-based model. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 118, 103965.
- Simpson, M. R. (2009). Engagement at work: A review of the literature. *International journal of nursing studies*, 46(7), 1012-1024.
- Sitkin, S. B., & Pablo, A. L. (1992). Reconceptualizing the determinants of risk behavior. *Academy of management review*, 17(1), 9-38.
- Skala, D. (2008). Overconfidence in psychology and finance - An interdisciplinary literature review. *Bank i Kredyt*, 33-50.
- Xia, S., & Duan, J. (2022). Mapping knowledge domains on managerial overconfidence. *Heliyon*, 8(12).
- Yang, D., & Kim, H. (2020). Managerial overconfidence and manipulation of operating cash flow: Evidence from Korea. *Finance Research Letters*, 32, 101343